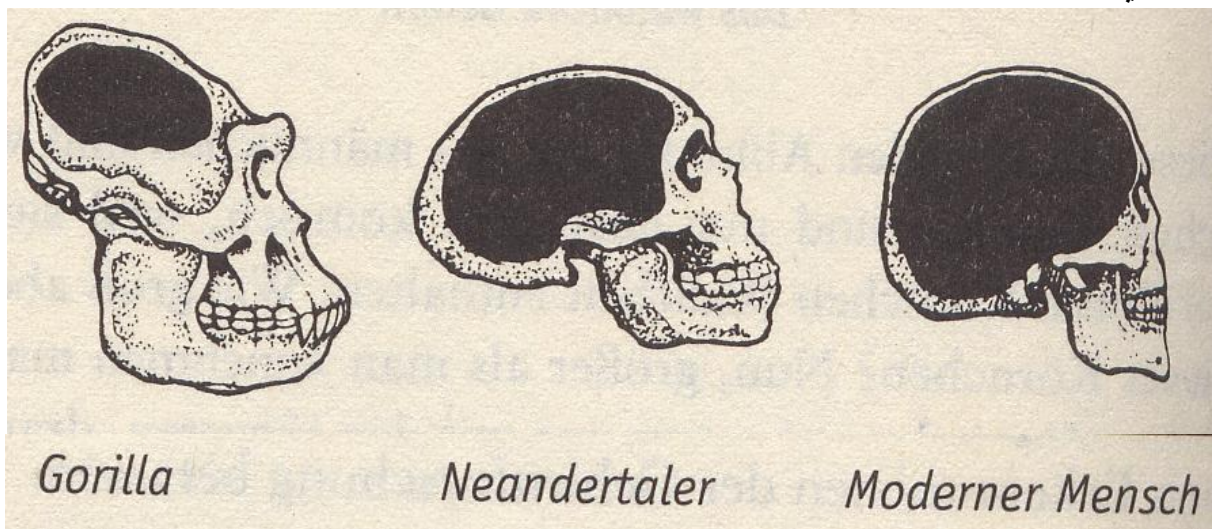


فصل سوم

تماما در مغز می گذرد

چرا ما از دیگر موجودات باهوش تریم به تصاویر زیر توجه کنید. شما دو تفاوت اساسی بین مغز گوریل و انسان نئاندرتال و انسان مدرن خواهید یافت. اول اینکه مغز انسان سه برابر مغز گوریل و یکسوم بزرگ تر از انسان نئاندرتال، اجداد اولیه ما است. فسیل های یافته شده نشان می دهند که مغز ما در عرض 50000 گذشته تقریباً تغییری نکرده است و عملکرد آن تغییرات جزئی انجام داده است. دوم اینکه ما دارای یک پیشانی جلو آمده هستیم که انسانهای اولیه و گوریل فاقد آن بودند و می باشند. پیشانی جایگاه جلویی دو قسمت چپ و راست مغز هست. که ما فکر کردن و خواندن نقشه خیابان و صحبت کردن را مدیون این قسمت مغز هستیم. این دلیل آنست که ما بر بقیه حیوانات مسلط هستیم. مغز زنان و مردان در رابطه با قدرت، استعداد و توانایی های ویژه، کاملاً متفاوت از یکدیگر تکامل یافته اند. مردان که وظیفه شکار را بعهده داشتند، قابلیت هایی یافتند که از آشیانه دور رفته و مسیر یاب ماهری شوند. آنها از طریق بکارگیری های تاکتیکی مجبور بودند شکار را کشته و لاشه آنرا محافظت کرده به آشیانه باز گردانند. مردان نیاز نداشتند نه یک مصاحب خوبی باشند نه نگران روابط عاطفی با دیگران باشند. و همچنین مغز آنها در رابطه با برقراری ایجاد رابطه های انسانی تکامل نیافته است. در مقابل زنان می بایستی موقعیت خود را نزدیک غار یا کلبه تحکیم می کردند. بر این اساس دارای قدرت دیدی شدند که اطراف غار و حرکات دارای خطر را تشخیص دهند. همچنین می بایستی چندین کار را باهم انجام داده و با دیگر ساکنین غار (بچه ها زنان دیگر و سالخوردهگان) تماس برقرار کنند. بر این اساس است که که مغز زنان و مردان در ناحیه های مختلف به منظور انجام وظایف مختلف تکامل یافت



چگونه مغز ما از قلمرو ما دفاع می کند

ما از عادت های دیرینه مان دیر دست بر می داریم. دانشمندان می گویند این مانند یک حافظه ی ژنتیکی است که به سادگی قابل تغییر نیست. حافظه ی ژنتیکی بخشی از رفتارهای غریزی ماست. این کاملاً روشن است که انسانهایی که که طی هزاران سال در غارها زندگی کرده و اطراف خود را مراقبت کرده و از قلمرو خود دفاع کرده و تعداد بیشتری از مشکلات که با آن روبرو بودند را حل می کردند نمی توانند بسادگی از آن دست بردارند.

آدم باید یکبار در رستوران بنشیند و دیگران را نظاره کند. اغلب مردان و زنان ترجیح می دهند صندلیشان را بدیوار چسبانده طوری که در خروجی رستوران را زیر نظر داشته باشند. تنها در این حالت است که احساس راحتی می کنند. هیچکسی نمی تواند آهسته از پشت به آنان نزدیک شود. اگر چه

امروزه بندرت خطری برای ما در رستوران پیش می آید مگر اینکه گارسون با صورتحساب نجومی به ما نزدیک شود.

همچنین مردان در خانه غریزی عمل می کنند برای مثال در اتاق خواب سمتی از تخت خواب می خوابند که در اتاق را زیر نظر داشته باشند. دفاع از سوراخ غار یک حافظه ی ژنتیکی است. اگر زوجی به یک خانه جدید نقل مکان کنند یا در یک شب در هتل بخوابند و زن در نزدیکی در بخوابد، مرد دچار ناآرامی شده و از بی خوابی رنج می برد بدون آنکه دلیل آنرا بداند. اغلب می توان با خوابیدن مرد نزدیک در اتاق مشکل ناآرامی و بی خوابی را حل کرد.

مردان بشوخی می گویند دوست دارند دم در بخواند تا بتوانند سریع فرار کنند. اما در حقیقت از غریزه ی دفاعی خودشان تبعیت می کنند.

زمانیکه مرد در خانه نیست، زن نقش محافظت را بعهده گرفته در جای شوهرش می خوابد. زن در نیمه شب زمانیکه بچه گریه می کند از خواب عمیق می پرد در حالیکه مرد به خرناس کشیدن خود ادامه داده و می خوابد و این عمل شوهر سبب ناراحتی زن می شود. مغز مرد طوری برنامه ریزی شده است که صداهایی که ناشی از تکانهاست تشخیص دهد. حتا صدای شکستگی یک شاخه در نزدیکی پنجره، سبب می شود در کمتر از ثانیه ایی از خواب بپرد تا اگر مورد حمله قرار گیرد بسرعت عکس العمل نشان دهد. برعکس زن در این وضعیت راحت به خواب خود ادامه می دهد مگر اینکه شوهرش در خانه نباشد و مغز وی طوری برنامه ریزی شده است که نقش شوهرش را بعهده گرفته و با هرگونه صدای ناشی از حرکت که باعث بخطر انداختن "آشیانه" می شود مقابله کند.

در مسیر موفقیت

ارسطو فیلسوف یونانی معتقد بود مرکز تفکر در قلب قرار دارد و سر مسئول خنک کردن بدن می باشد. به این دلیل است که بسیاری از بیانات احساسی ما به گونه ایی با قلب سر و کار دارد. امروزه ما به این تز می خندیم اما تا همین اواخر - قرن 19 - بسیاری از دانشمندان موافق این نظریه ارسطو بودند.

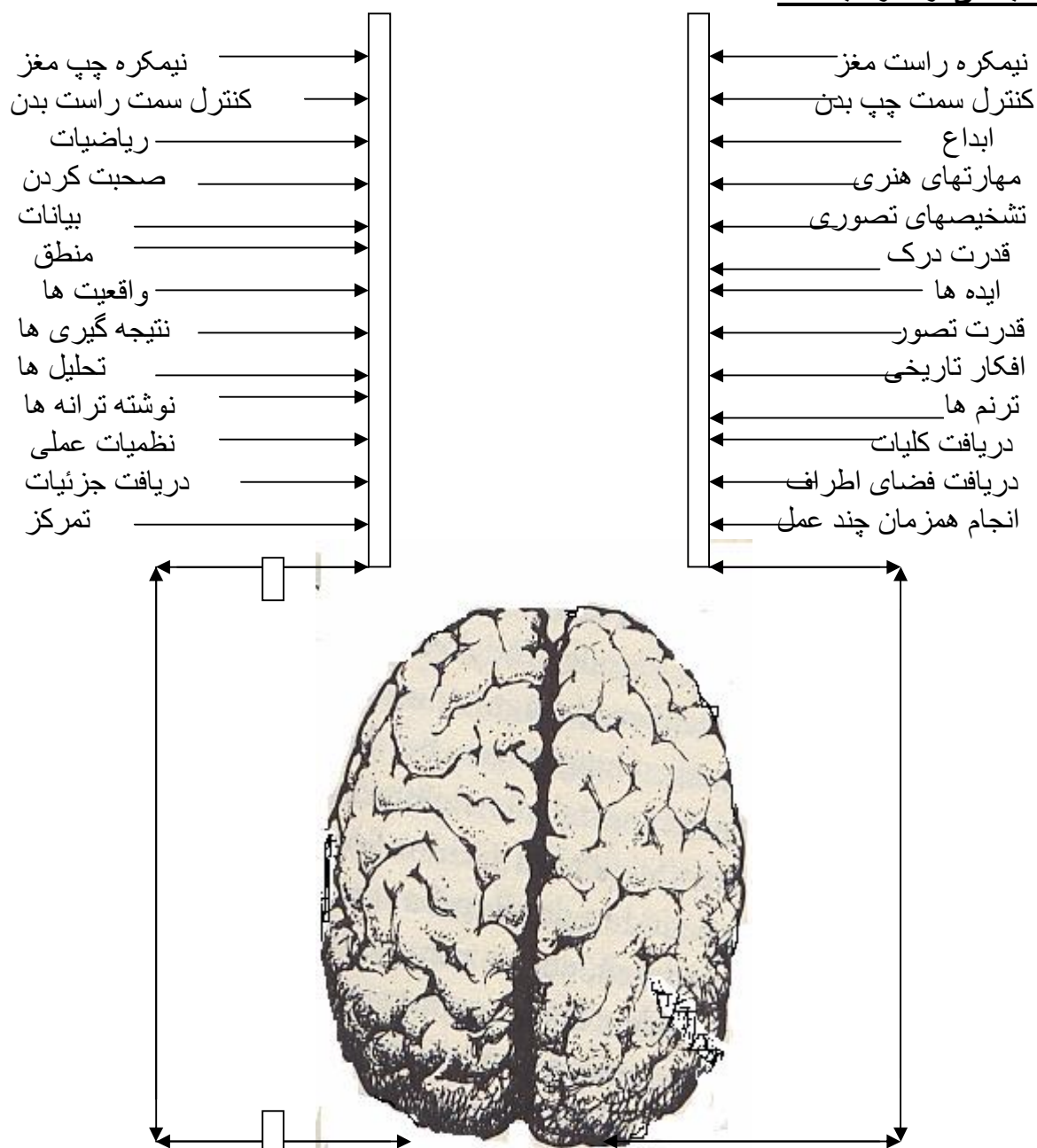
در سال 1962 کشف شد که هر نیمکره مغز مسئول انجام وظیفه فکری بخصوصی است. فناوری های پیشرفته امروزی این امکان را مهیا ساخته است که ما با نحوه کارکرد مغز آگاه شویم. البته در مراحل بسیار اولیه قرار داریم. ما میدانیم که نیمه راست مغز - بخش ابداع کنندگی - سمت چپ بدن ما را هدایت می کند. در حالیکه نیمه چپ مغز ما - بخش منطق و صحبت کردن و تعقل - مسئول هدایت سمت راست بدنمان می باشد. بخش سمت چپ مغز مسئول زبان و مرکز واژه هاست، بویژه در مردان و سمت راست مغز اطلاعات تصویری را ذخیره و هدایت می کند. چپ دستان دارای نیمکره راست مغز قوی تری هستند، بنابراین بخش ابداع کنندگی مغز در این بخش است. به این دلیل است که بطور متوسط تعداد چپ دستان نابغه از جمله انیشتین، لئوناردو داوینچی .. بیشتر است. 90% مردم راست دست هستند و تعداد زنان چپ دست بیشتر از مردان چپ دست است.

تحقیقات نشان داده اند بهره هوشی زنان حدود 3% بیشتر از مردان است

تا دهه 60 قرن بیستم از طریق مشاهده و تحقیق بر روی مغز سربازانی که در جنگ کشته شده بودند، اطلاعات فراوانی از نحوه ی عملکرد مغز انسان بدست آمد. اشکالی که این اطلاعات داشت این بود که اکثر سربازان مرد بودند و به راحتی چنین پذیرفته می شد که مغز زنان هم به همین صورت می باشد و عملکرد هم همان است که مغز مردان.

اما تحقیقات جدید نشان می دهد که عملکرد مغز زنان بطور اساسی با عملکرد مغز زنان تفاوت دارد. و این منبع تقریبی اختلاف بین زنان و مردان است. تحقیقات نشان داده است علاوه بر کوچکتر بودن اندازه مغز زن، کارایی و مهارت لازمه وجود دارد. تحقیقات نشان داده است مغز مرد 4.000.000.000 (چهار میلیارد) سلول بیشتر از مغز زن دارد، اما در پاسخ به سئوالات هوشی زن 3% جلوتر از مرد است.

چه بخشی از مغز کجاست؟



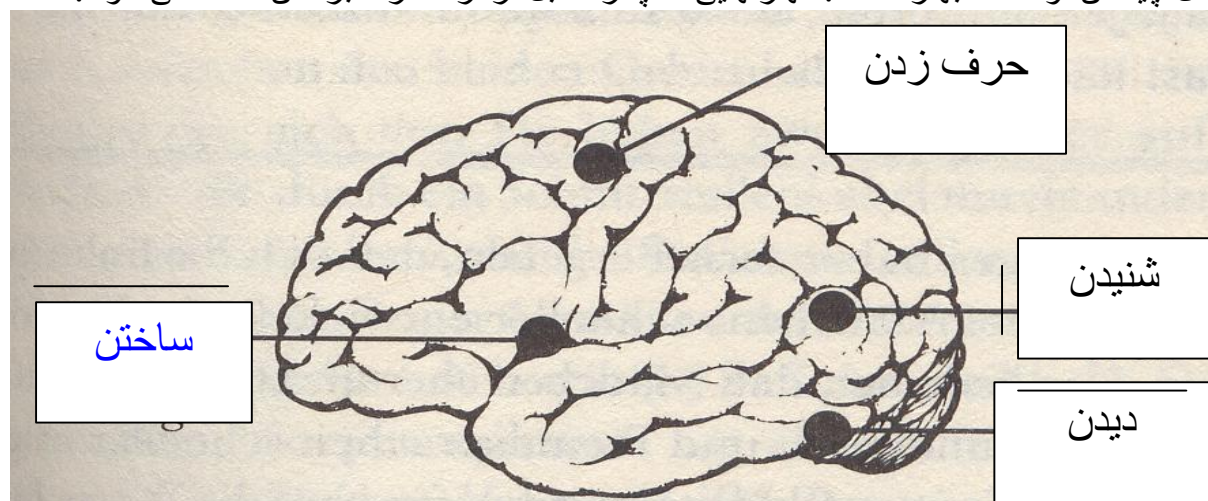
هر روزه توسط تحقیقات جدید به دستاوردهای بیشتری مربوط به مغز بدست می آید. اما دانشمندان استنباط های متفاوتی از این دستاورد دارند و به جمع بندی های متفاوتی می رسند. اما در عرصه هایی هم همگی متفق القول می باشند. با کمک دستگاههای پیشرفته دانشمندان موفق شده اند جریانهای مغزی را اندازه گرفته و مشخص کنند چه بخشی مسئول انجام چه فعالیت ما می باشد. زمانیکه اسکن از مغز در یک محل مشخص، مهارت یا عملکردی را آشکار نمود بدین مفهوم است که شخص مورد آزمایش، در این عرصه مهارت و توانایی آموزش یافته کسب کرده و با علاقه این مهارت را بکار می برد.

در مغز اغلب مردان ناحیه ای وجود دارد که قادر به مسیر یابی قوی وجود دارد و بدین جهت است که مردان مشکلی در تعیین مسیر و مکان یابی ندارند. این توانایی سبب شادی و رضایت یک مرد می شود که برنامه ریز فعالیت هایی شود که از قدرت مسیر یابی وی استفاده شود. اغلب مردان بیشتر به تقریحاتی علاقمندند که در آن تقریحات، توانایی راهنمایی و مسیر یابی آنها بکار آمده و آنرا عرضه کنند. در مغز زنان محل هایی متعددی وجود دارد که مراکز صحبت کردن مغز می باشند. در حقیقت مهارت گفتاری زنان بسیار عالی است. زنان بندرت بدنبال لغت می گردند. آنها بطرف فعالیت های اجتماعی کشیده می شوند که این توانایی در آن حرفه بخوبی بکار آید. بطور مثال روان درمانی، مشاوره و شغل های آموزش دهندگی. وقتیکه کسی را که فاقد یک توانایی مورد نظر باشد و وی را به آن کار واداریم، سبب می شود آن فعالیت را بدرستی انجام ندهد و از آن کار لذت نبرد. اگر زنی را بکاری واداریم که مسیر یابی در آن باشد درست همان مشکلی را بوجود می آورد که یک مرد را بعنوان مشاور یا معلم بکار گیریم.

چگونه مغز را تجزیه و تحلیل می شود؟

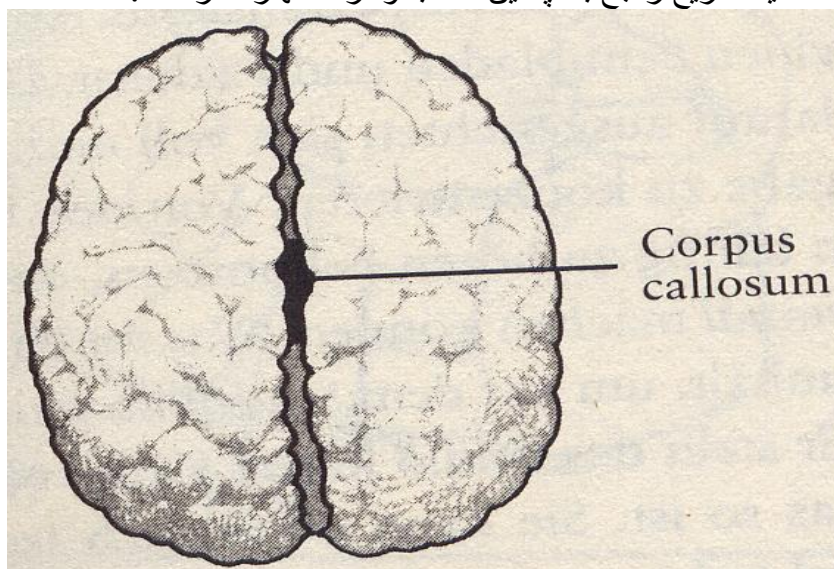
در دهه نود قرن بیستم اسکن از مغز بسیار پیشرفته است، طوری که امروزه می توان فعالیت های مغزی را زنده بر صفحه کامپیوتر مشاهده کرد. تحقیقات نشان داده است که نیمه چپ مغز دختر سریعتر رشد می کند تا نیمه چپ مغز یک پسر. این بدین مفهوم است که دختر زودتر و بهتر از پسر صحبت می کند و می خواند و می تواند زبان خارجی را سریع تر فرا می گیرد. به همین دلیل است مطب های مشاوران برای برطرف کردن نارسایی های گفتاری از پسران پر است نه از دختران.

در عوض نیمه راست مغز پسران سریع تر از نیمه راست مغز دختران رشد می کند. در نتیجه پسران دید فضایی و دریافت منطقی شان سریع تر رشد می کند. اغلب پسر ها در ریاضی در ساختمان و حل چیستان و مسئله بهتر هستند. مهارتهایی که پسر ها قبل تر از دخترها بر آنان مسلط می شوند.



چرا اتصالات بین دو بخش مغز زنان بیشتر است

نیمه های راست و چپ مغز توسط رشته های عصبی به یکدیگر متصل شده اند. این رشته ها تبادل ارتباطی و اطلاعاتی را بین دو بخش مغز ممکن می سازند. ارتباط عصبی بین دو بخش چپ و راست مغز زن 30 درصد بیش از ارتباط عصبی بین دو بخش چپ و راست مغز مرد می باشد. ثابت شده است مردان و زنانی که کارهای مشابه ای را انجام می دهند ، بخشهای متفاوتی از مغزشان به فعالیت می پردازد. آزمایشات نشان داده اند که هرمون های جنسی زنانه سلول های عصبی اوستروژن را تحریک کرده ، ارتباطات بیش تری بین دو بخش مغز ایجاد می کنند. همین تعداد فراوان ارتباطات بین دو بخش مغز زن سبب می شود زن بتواند چند فعالیت بدون ارتباط با یکدیگر را همزمان با هم انجام دهد. این همان علت دریافت ناگهانی مطالب و عکس الم سریع در زنان بوده و آنها را قادر می سازد در یک محیط سریع راجع به چندین مطلب و فرد اظهار نظر کنند.



چرا مردان قادرند تنها یک کار را

بعد از دیگری انجام دهند نه با هم

تمام نتایج آزمایشات مختلف به نتایج مشابه رسیده اند. مغز مردان تشکیل یافته است از موضوعات تخصصی یافته به دسته بندیهای کوچک . مغز آنها طوری تکامل یافته است که تنها و بطور کامل بر یک موضوع تمرکز کنند. این جمله را می توان اغلب از مردان شنید " من یکی را بعد از دیگری می توانم انجام ". وقتیکه مرد می خواهد نقشه خیابانها بخواند چکار می کند؟ اول رادیو را کم می کند. زن بسختی می تواند بفهمد چرا مرد این کار را می کند. او (زن) می تواند نقشه را بخواند در حالیکه گوش می دهد و همزمان صحبت هم می کند. زن از خود سؤال می کند چرا مرد نمی تواند این کارها را با هم انجام دهد. زن متعجب است چرا وقتیکه شوهرش می خواهد تلفن کند حتماً باید صدای تی وی کم شود؟ چرا مرد در حالیکه روزنامه می خواند و یا تی وی تماشا می کند نمی تواند گوش دهد؟ این گونه شکایات یا مشابه آن را زنان از شوهرانشان در سراسر دنیا دارند. پاسخ ساده چنین است: مغز یک مرد بگونه ای برنامه ریزی شده است که یک کار را بعد انجام کار دیگر انجام دهد. نه چند کار را همزمان با هم . زیرا رشته های ارتباطی بین دو بخش راست و چپ مغز مرد کم است. اگر مغز یک مرد درحال مطالعه روزنامه را، اسکن کنیم روشن خواهد شد که مرد در این حالت تقریباً هیچ صدایی نمی شنود .

مغز زن مانند یک موتور چند کاره است. او می تواند چند کار مختلف را همزمان انجام دهد. مغز او تنها در خواب آهسته کار می کند. او می تواند در حالیکه تلفن می کند ، آشپزی کند و در همان موقع تی وی هم تماشا کند. او می تواند در حالیکه رانندگی می کند تجدید آرایش کند همان موقع به رادیو گوش

دهد و با تلفن هم صحبت کند. اما وقتی که یک مرد آشپزی می کند قادر نیست همزمان به کسی که بغل دست اوست و روش پخت غذا را از روی کتاب می خواند گوش دهد. باید یا گوش دهد یا ببزد. وقتی که با یک مرد که در حال ریش زدن است حرف بزنید می توانید احتمال دهید که صورت خود را خواهد برید. اغلب زنان این تجربه را دارند که شوهرشان از دست دادن یک ورودی یا خروجی اتوبان را بخاطر پرحرفی آنان می دادند.

از آنجائیکه دونیمه مغز زن دائم اکتیو است، برای زن سخت است سریع دست چپ و راست را تشخیص دهد. حدود 50 درصد از زنان قادرند بدون تامل بگویند کدام دستشان راست است کدام دستشان چپ. همواره از چیزی مانند حلقه یا ککمی که در صورت را دارند کمک می گیرند. از آنجائیکه تنها یک نیمه مغز مرد اکتیو است، بدین لحاظ در این مورد مشکلی ندارد. در سراسر جهان، مردان از زنانشان ایراد می گیرند موقیعی که می گویند چپ به پیچ منظورشان راست بوده است.



تست مسواک را انجام دهید

تست زیرا انجام دهید: دندانتان را مسواک کنید! اکثر زنان می توانند در حالیکه مسواک می زنند در منزل راه بروند و درباره مسائل مختلف حرف بزنند و در همان حال میز نهارخوری را هم تمیز کنند. این اعمال برای مردان از سخت تا غیر ممکن می باشد. وقتی که مردان مسواک می زنند، مغز یک باند ه شان مجبورشان می کند تنها به همان عمل متمرکز شوند.

مترجم: به منزل یکی از دوستانم رفته بودم. - مردی 50 ساله- داشت چایی درست می کرد. به او گفتم گوش کن این قسمت کتاب را برات بخونم. گفت یک لحظه صبر کن. حواسم پرت میشه. الان کارم تموم میشه میام. آمد نشست. سطر بالا را به او نشان دادم. کلی تعجب کرده بود.

مردان بصورت نرمال مقابل دستشویی می ایستند، پاهایشان را به اندازه 30 سانتیمتر از هم باز می گذارند، و سرشان را به طرف دستشویی خم می کنند و سرشان را با ریتم مسواک کردن بالا و پائین می برند. این بالا و پائین بردن سر به سرعت آب شیر بستگی دارد.

چرا ما اینگونه هستیم

ما طوری دختر و پسر را تربیت می کنیم که هیچگونه تفاوتی بین آنها وجود ندارد. در صورتیکه علم عاقلان ما ثابت می کند که از اساس متفاوت هستند. متخصصین اعصاب و مغز در سراسر جهان مطمئن هستند که ما توسط هرمون هایمان هدایت می شویم.

هرمون های ما تعیین می کنند، ما که هستیم. ما محصول ترکیبات شیمیایی بدنمان هستیم.

تا قرن بیستم، باور بر این بود که مغز ما از ابتدای تولد همچون تابلویی بوده که والدین، معلمین و دنیایی که برای ما ساخته می شود بر آن نقش می بندد. اما بر اساس آخرین نتایج تحقیقات مشخص شده است که مغز ما 6 تا 8 هفته بعد از نطفه بسته شدنمان، شبیه یک کامپیوتر عمل می کند. در مغز ما مرکز حافظه شکل می گیرد و یک حافظه نصب می شود طوری که مانند یک کامپیوتر دارای نرم افزار و سخت افزار می شود که با رشد مان و دریافت از محیط اطراف خود قسمت های جدیدی به کامپیوتر مغز اضافه می کنیم.

علم نشان می دهد که اساس و بنیاد مرکز حافظه و ارتباطات آن، تغییرات بسیار محدودی انجام می پذیرد. معلمین و دنیای اطراف ما باعث می شوند ما آن برنامه ها و قطعات اضافی را به مغز خود وصل کنیم. تا به امروز هیچکس قادر نشده است کتاب راهنمای کامپیوتر مغز انسان را وارد بازار کند. این بدین منظور است که از بدو تولد تصمیمات و تمایلات آتی ما برنامه ریزی شده اند. حال میدانیم که تربیت و مراقبت از فرزندان امری فراگرفتنی است چرا که مادر خوانده ایی که یک نوزاد شیر می دهد و او را تربیت می کند همان تربیت مادر را انجام می دهد.

جنین برنامه ریزی می شود

طرح ساخت ژنتیکی انسان متشکل از 46 کروموزم می باشد. 23 کروموزم از مادر و 23 کروموزم از پدر. وقتیکه بیست و سومین کروموزم مادر یک X- کروموزم (شکل کروموزم شبیه X است) و بیست و سومین کروموزم پدر هم یک X- کروموزم باشد نوزاد XX می شود که دختر می شود. وقتیکه بیست و سومین کروموزم پدر یک Y- کروموزم باشد، نوزاد

XY - کروموزم می شود که یک پسر خواهد شد. اساس ساخت بدن انسان بر پایه شابلون مونث شکل می گیرد یعنی از ابتدا همه نوزادان بصورت دختر هستند. پس از آن مراحل تغییر به جنسیت مذکر می شود. بر این اساس است که در مرد چند مشخصه زنانه از جمله غده و نوک سینه در بدن مرد شکل می گیرد که هیچگونه کارایی ندارد. کارایی سینه مرد در چیست؟

علم ثابت می کند که : حوا قبل از آدم خلق شد!

در زمانی حدود 6 تا 8 هفته بعد از بسته شدن نطفه، جنین کم و بیش فاقد جنسیت است و می تواند دختر یا پسر شود.

بعد از شش تا هشت هفته بعد از آنکه جنین شکل پسر گرفت، رشد هورمون های جنسی از جمله تستسترون در بدن پسر آغاز می شود. تنها رشد این هورمون جنسی از جمله تستسترون در بدن بوجود آورنده خایه در بدن پسر شده (1) و مغز نوع مذکر و رفتار های مختص به آن شکل می گیرد. از جمله قدرت دید ویژه برای مسافت های دور و قدرت دید فضایی مورد استفاده برای پرتاب نیزه و رویت و تعقیب شکار.

و قتی که یک جنین دختر است XX کروموزوم می باشد در این صورت مقداری هورمون جنسی مردانه در بدن دختر موجود است. در این جا مغز هورمون های زنانه ای برای نیاز های بعدی تولید می کند از جمله ساخت کلبه، دفاع از کلبه. مراکزی در مغز زن تکامل می یابند که قادر می شوند علائم شفاهی و غیر شفاهی رفتاری و گفتاری را کشف کنند.

حدس زده می شود بین 80 تا 85 درصد تمام مردان ارتباطات مردانه در مغزشان وجود دارد و 15 تا 20 درصد تمام مردان کم و بیش مغزی زنانه دارند. بسیاری از مردان دسته دوم گرایشات همجنسگرایی می یابند.

15 تا 20 درصد مردان مغز زنانه و حدود 10 درصد زنان مغزی مردانه دارند

تست زیر نشان می دهد که چه اندازه از مغز فرد برنامه ریزی مردانه یا برنامه ریزی زنانه دارد. در این تست پاسخ های درست یا غلط وجود ندارند. بلکه پاسخ فرد بر اساس نزدیکی به یکی از مورد ها مهم است. بعد از اینکه تست را پاسخ دادید نتیجه را با جدولی که در آخر آمده مقایسه کنید پاسخ خود را بدست می آورید.

1- و قتی که شما باید یک نقشه خیابان را، چکار می کنید؟

الف- خواندن نقشه برای من مشکل است. برای خواندن آن از یک نفر کمک می گیرم

ب- نقشه را در جهت مسیری که باید رفت می چرخانم و بدنبال مسیر می گردم

پ- اساساً مشکلی برای خواندن نقشه راه ها ندارم

2- شما در حال درست کردن غذا از روی کتاب آشپزی هستید. رادیو روشن است، و در همین موقع صدای زنگ تلفن می آید. عکس العمل شما چیست؟

الف- به تلفن جواب می دهم بدون آنکه غذا پختن را قطع کنم یا اینکه صدای رادیو را کم کنم.

ب- صدای رادیو را کم کرده به تلفن جواب می دهم در حالیکه آشپزی می کنم.

پ- گوشی تلفن را بر می دارم به کسی که تلفن کرده می گویم دارم آشپزی می کنم خودم بتو تلفن خواهم کرد و سپس به آشپزی ادامه می دهم.

3- منتظر چند مهمان هستید. تماس می گیرند راه رسیدن به منزلتان را برایشان توضیح دهید. چگونه برای آنها توضیح می دهید؟

الف- یک نقشه برایشان کشیده برایشان می فرستم یا یکنفر دیگر را مامور می کنم راه را برایشان توضیح دهد.

ب- سؤال می کنم یک محلی که اطرافشان است بگویند و بر اساس آن مسیر را برایشان توضیح می دهم.

پ- برایشان شفاهی توضیح می دهم که چطور می توانند بیایند: اتوبان ایکس را بگیرید و از خروجی وای خارج بشوید سومین چهار راه به پیچید سمت راست مستقیم بیایید خیابان باریک سمت چپ.

شماره 23.

- 4- چگونه یک ایده یا مفهومی را برای یک نفر توضیح می دهید؟
- الف- یک قلم و کاغذ بر می دارم می نویسم و از دست و پایم هم شده برای توضیح دادن استفاده می کنم.
- ب- بصورت شفاهی توضیح می دهم و از دست و پایم هم برای توضیح استفاده می کنم.
- پ- شفاهی توضیح می دهم تا جایی که ممکن است کوتاه و قابل فهم.
- 5- یک فیلم قشنگ دیده اید و به خانه آمده اید اولین کاری که می کنید چیست؟
- الف- چند صحنه فیلم را در سرم مرور می کنم.
- ب- در باره صحنه های جالب حرف می زنم و چیز هایی که گفته شده اند بازگو می کنم.
- پ- تمام مطالبی که در فیلم گفته شده تکرار می کنم.
- 6- ترجیح می دهید در کدام سمت سینما بنشینید؟
- الف- سمت راست سالن سینما
- ب- هیچ فرقی نمی کند
- پ- در قسمت چپ سالن سینما
- 7- یکی از دوستانتان مشکلی با یک وسیله برقی دارد. شما برای رفع مشکل او چه می کنید؟
- الف- باهاش همدردی می کنم و به او می گویم که چکار باید بکند.
- ب- یک فرد وارد را به او معرفی می کنم.
- پ- تلاش می کنم بفهمم مشکل دستگاه چیست سعی می کنم تعمیرش کنم.
- 8- شما در یک محله ای نا آشنا رفته اید. یک نفر از شما سؤال می کند شمال از کدام طرف است. عکس المل شما چه خواهد بود؟
- الف- اقرار می کنم که اطلاع ندارم.
- ب- بعد از چند لحظه فکر کردن احتمالی می دهم که از کدام طرف است.
- پ- بدون لحظه ای مکث نشان می دهم شمال چه سمتی است.
- 9- شما محلی برای پارک کردن پیدا کرده اید که برای پارک کردن جای کمی هست و باید از عقب پارک کنید. چکار می کنید؟
- الف- میروم بدنبال پارک دیگر
- ب- سعی می کنم با دقت پارک کنم
- پ- بدون اشکال از عقب پارک می کنم.
- 10- دارید تلویزیون نگاه می کنید. تلفن زنگ می زند. شما چکار می کنید؟
- الف- بدون اینکه صدای تلویزیون را کم کنم به تلفن جواب می دهم.
- ب- صدای تلویزیون را کم می کنم سپس به تلفن جواب می دهم.
- پ- صدای تلویزیون را کم می کنم و از دیگران می خواهم آهسته صحبت کنند بعد تلفن را جواب می دهم.
- 11- شما یک ترانه از خواننده مورد علاقه تان شنیده اید. می توانید آن ترانه را تکرار کنید؟
- الف- یک بخشی از ترانه را می توانم بخوانم
- ب- می توانم بخشی از ترانه را بخوانم اگر ترانه ساده ایی داشته باشد.
- پ- برای من سخت است که ترانه را بخوانم اگرچه بخشی از شعرش در حافظه ام هست.
- 12- شما کلیدتان را جایی گذاشتید یادتان نمی آید کجا. چکار می کنید؟
- الف- کار دیگری انجام می دهم تا بعد یادم بیاید
- ب- کار دیگری انجام می دهم و در فاصله فکر می کنم تا یادم بیاید کلید را کجا گذاشتم.
- پ- یکی یکی جاهای که ممکن بوده کلید را گذاشته باشم می گردم.
- 13- شما در اتاق هتل نشسته اید. صدای آژیری از دور دست می شنوید.
- الف- بدن تاخیری می توانم جهت دقیق صدا را تشخیص دهم.
- ب- اگر قدری تمرکز کنم احتمالاً می توانم جهت صدا را تشخیص دهم.

- پ- قادر نیستم جهت صدا را تشخیص دهم.
- 14- شما در یک میمانی شرکت می کنید و هفت هشت نفر به شما معرفی می شوند. شما در روز بعد چه چیزی از آنها در خاطر دارید؟
- الف- قیافه همشون را یادم می ماند
- ب- یکی دوتا از آنها در خاطر باقی می ماند
- پ- احتمالاً نام ایشان در یادم باقی می ماند تا قیافه هایشان
- 15- شما دوست دارید تعطیلاتتان را در یک روستا بگذرانید. همسرتان دوست دارد بروید کنار دریا. چطور او را متقاعد می کنید که پیشنهاد شما بهتر است؟
- الف- سعی می کنم با جملاتی شبیه ، چقدر من به محیط روستا علاقه دارم و چقدر به بچه ها و ما خوش خواهد گذشت او را متقاعد کنم.
- ب- به او میگویم چقدر از تو سپاس گزارم اگر این بار را به روستا برویم و دفعه بعد کنار دریا.
- پ- دلایل خودم را از جمله اینکه پیشنهاد من نزدیک تر ارزان تر و دارای وسائل تفریحی بیشتری است برای همسرم ارائه می دهم.
- 16- وقتیکه برنامه روزانه تان می ریزید چکار می کنید؟
- الف- لیستی از کارهایی را که می خواهم انجام دهم تهیه می کنم.
- ب- درباره کارهایی که می خواهم انجام دهم تعمق می کنم.
- پ- افرادی را که می خواهم با آنها ملاقات کنم ، محلی را که می خواهم بروم و کارهایی را که می خواهم انجام دهم را در نظر می گیرم .
- 17- یکی از دوستانتان دارای مشکلی است و می خواهد با شما در باره آن صحبت کند. عکس العمل شما چگونه خواهد بود؟
- الف- ابراز همدردی می کنم و سعی می کنم مشکل او را بفهمم
- ب-به او می گویم که مشکلات بدتر از مشکل خودت را در نظر بگیر و برایش توضیح می دهم چرا این روش بهتر است.
- پ- راه حلهای عاقلانه و مهیج برای حل مشکلش به او ارائه می دهم
- 18- دوتا از آشنایان مزدوجتان رابطه ی غیر زناشویی با دیگری برقرار کرده اند . تا چه اندازه احتمال می دهید این راز بین آندو را دریابید؟
- الف- من سرع متوجه راز آندو می شوم.
- ب-احتمال اینکه متوجه بشوم پنجاه – پنجاه ست.
- پ- به احتمال زیاد اصلاً متوجه نشوم
- 19- چه چیزی در زندگی شما مهمترین است؟
- الف- دوستانی داشتن و هماهنگی با کسانی که با آنها در ارتباط هستم.
- ب-دوست بودن با دیگران ، در حالیکه استقلال خودم حذف نشود.
- پ- دستیابی به هدف های واقعی، جلب کردن احترام دیگران نسبت به خودم و اعتبار و ترقی
- 20- اگر شما حق انتخاب داشتید چه کاری را با علاقه انجام می دادید؟
- الف- در گروهی کار کنم که همه دارای هدف مشترکی باشند.
- ب- با دیگری کار کنم که افراد فاصله های بین خودشان دانسته فرض کنند.
- پ- مورد علاقه من زمانی است که تکی کار کنم.
- 21- چه نوع کتابی مورد علاقه شما است؟
- الف- رمان و ادبیات سرگرم کننده
- ب- روزنامه و مجله
- پ- کتابهای تخصصی و اتوبیوگرافی
- 22- وقتیکه به خرید می روید چگونه عمل می کنید؟

الف- چیزهایی را می خرم که هیجان آور باشد بخصوص اجناسی که بصورت ویژه بفروش می رسانند.

ب- حدوداً می دانم چه چیزی می خواهم بخرم اما از چیزهایی را هم که حراج می کنند، خرید می کنم
پ- اتیکت های فروش کالا را نگاه می کنم و قیمت ها را مقایسه می کنم

23- آیا یک برنامه مشخص برای به رختخواب رفتن، از خواب بلند شدن و غذا خوردن دارید؟
الف- من طبق برنامه ایی که از قبل ریختم عمل می کنم

ب- من یک برنامه تعیین شده روزانه دارم اما انعطاف پذیر هم هستم
پ- من یک برنامه ثابت دارم و کارهایم را طبق آن انجام می دهم

24- شما شغلی جدیدی در اداره ایی که دارای همکاران زیاد است، پیدا کرده اید. یکی از همکارانتان بعد از وقت اداری به منزل شما زنگ می زند. آیا می توانید صدای او را تشخیص دهید؟

الف- به هیچ وجه برای تشخیص صدا دچار مشکل نمی شوم.
ب- احتمال اینکه صدای او را تشخیص دهم 50 درصد است.

پ- برای تشخیص صدا دگر مشکل خواهم شد.

25- چه چیزی شما را از کوره در می برد زمانیکه با کسی دعویتان می شود؟
الف- وقتیکه طرف مقابل سکوت کرده عکس العملی نشان نمی دهد.

ب- وقتیکه طرف مقابل منظور مرا درک نکند.

پ-سئوالات بستوه آورنده و تحریک کننده و انتقاد دیگران

26- در دوران مدرسه در املاء و انشاء چطور بودید؟

الف- دوتاش برام ساده بودند.

ب- در اولی کاملاً خوب بودم دومی تا اندازه ای فاجعه بود

پ- هر دوتا مورد برام سخت بودند.

27- تا چه اندازه خوب می رقصید؟

الف- زمانی می توانم موزیک را حس کنم که آن رقص را یاد گرفته باشم.

ب- یک کمی بلد هستم برقصم.

پ- اصلاً بلد نیستم برقصم.

28- تا چه اندازه می توانید صدای حیوانات را تشخیص دهید و از آنها تقلید کنید؟
الف- خیلی کم

ب- تا اندازه ای می توانم

پ- خیلی خوب

29- کار مورد علاقه تان در پایان یک روز طولانی چیست؟

الف- با دوستانم یا فامیلم در باره روزی که داشتم صحبت می کنم.

ب- به دیگران گوش می دهم تا در باره روزشان برایم تعریف کنند.

پ- ترجیح می دهم روزنامه بخوانم یا تی وی نگاه کنم بجای اینکه با دیگران صحبت کنم.

30- در مورد یک مشکل چگونه قضاوت می کنید؟

الف- با الهامی که نسبت به مسئله دارم پاسخ می دهم

ب- با اطلاعاتی که از مسئله بدست می آورم به اضافه سبک سنگین کردن احساسم نسبت به آن مسئله

پ- از طریق در نظر گرفتن فاکت ها و آماری و اطلاعات مشابه آن پاسخ را ارائه می دهم.

چگونه نتیجه تست را بدست می آوریم

تعداد پاسخ های الف و ب و پ را محاسبه کنید و آنان را در جدولهای زیر قرار دهید

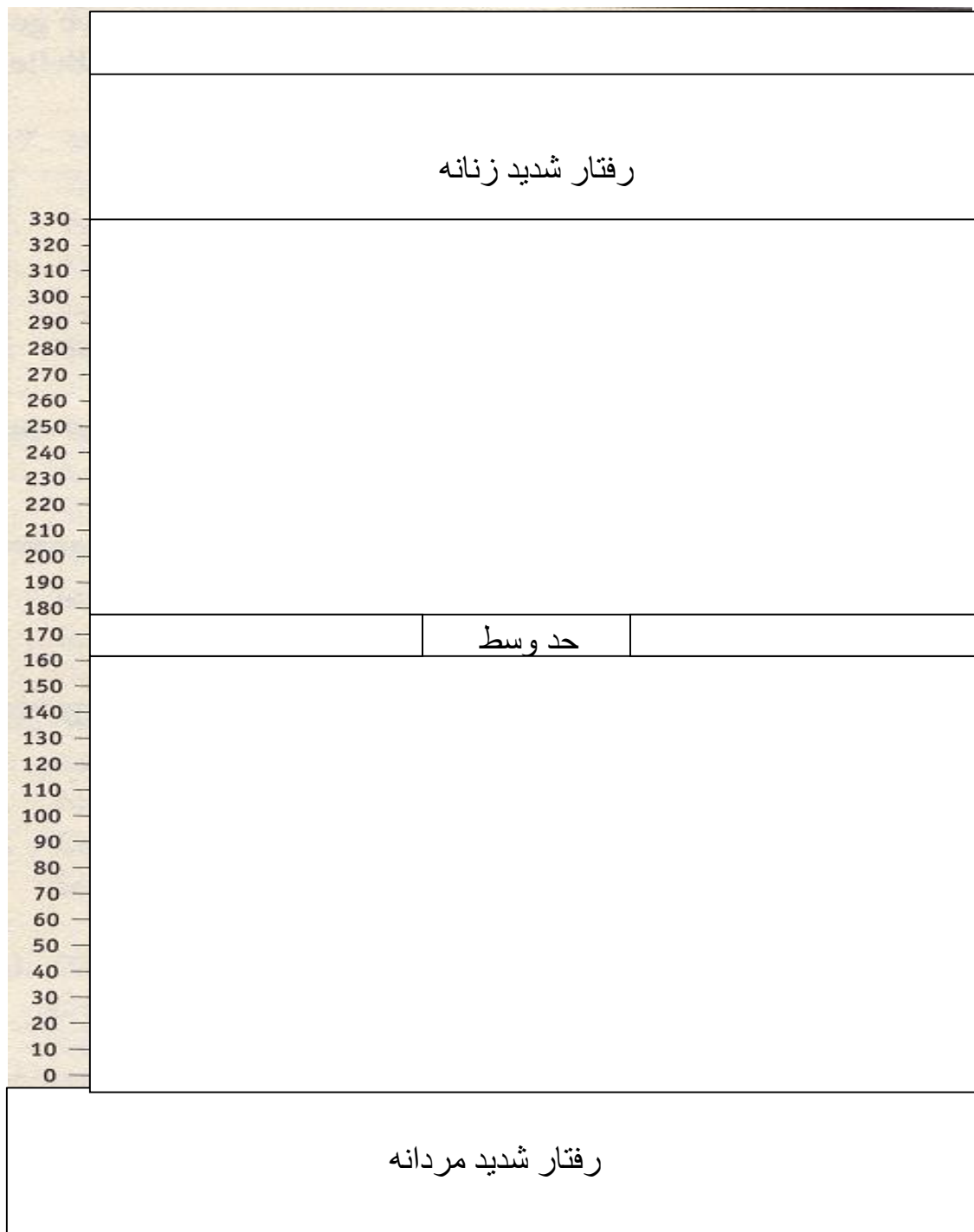
زنان:

- = تعداد جوابهای الف را در 15 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای ب را در 5 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای پ را در 5 ضرب کنید
- = مجموع جوابها

مردان:

- = تعداد جوابهای الف را در 10 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای ب را در 5 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای پ را در 5 ضرب کنید
- = مجموع جوابها

برای هر سئوالی که به شما مربوط نمی شود نمره صفر بدهید.



تحلیل نتایج تست

اغلب مردان نتیجه ای بین صفر تا 180 و زنان بین 150 تا 300 بدست می آورند. مغز مردانه عددی کمتر از 150 بدست می آورد. هر حاصلی که بسمت صفر نزدیک رود مغز مردانه تر و میزان تستسترون در بدنش بیشتر است. افرادی که دارای نتیجه ای نزدیک به صفر داشته باشند، معمولاً دارای رفتار و کارایی و قدرت تجزیه و تحلیل منطقی زیادی هستند. در مورد زنان هرچه عدد بدست آمده نزدیک به صفر شود امکان همجنسگرا بودن زنان زیاد تر می شود.

مغزی که زنانه است عدد بیشتر از 180 می آورد. هرچه عدد حاصله بسمت بالا تر رود صاحب آن از قدرت خلاقیت زیباشناسی و احساسات و عاطفه بیشتری برخوردار است. این دسته از زنان قادر به

درک مسائلی هستند که دیگران فاقد آن توانایی هستند. اگر مردی عددی بیش از 180 بیاورد احتمال اینکه همجنسگرا شود زیاد می شود.

بخش میانی نمودار

عددی بین 150 تا 180 به این مسئله اشاره دارد که شخص ذهنیت سازگاری با هر دو جنس داشته و ممکن است بی سکسوال باشد (هم به مرد هم به زن کشش داشته باشد). فرد دارای توانایی هست که هم می تواند یک رابطه دوستی بامرد داشته باشد هم با زن. از ابتدای دهه 80 قرن بیستم اطلاعات ما در باره مغز بصورت گسترده ایی افزایش یافت. دهه 90 دهه مغز نامیده شده است.

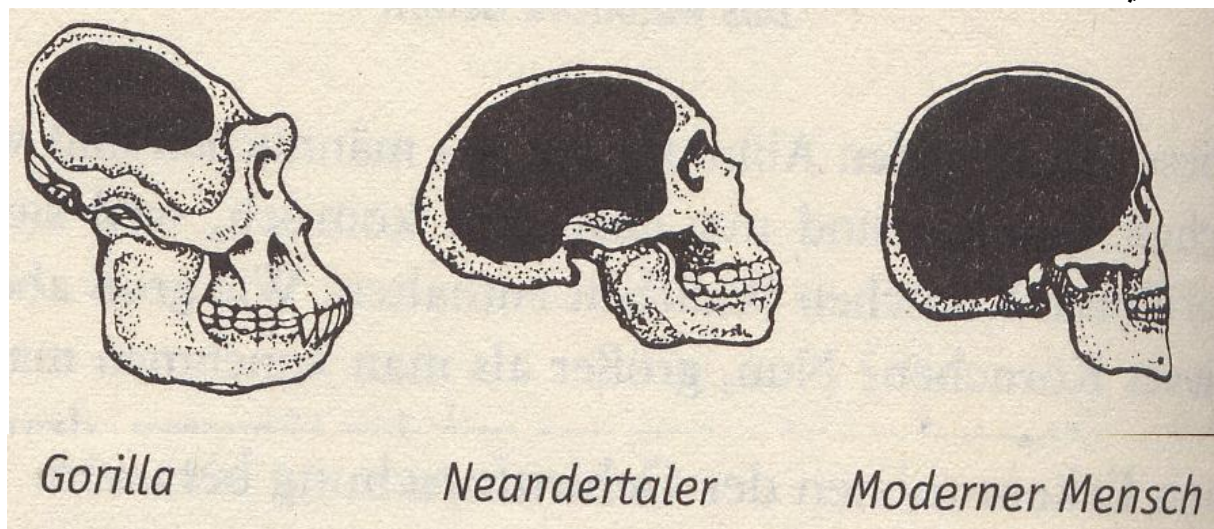
1- نمی دانم از اینکه کلمه ای فارسی پهلوی خایه (از ریشه خاییک = هرچه به شکل تخم مرغ باشد) را بجای کلمه عربی بیضه بکار بردم باید پوزش بخواهم یا نه. زبان فارسی شیرین ترین زبان دیناست. اشکالش در اینست که زمانی بخواهیم نام اندام بدن خود را بگوئیم یا بنویسیم قدری بی تربیتی می شود و به زبان چینی و ژاپنی و عربی هم شده باشد نام اندام را می گوئیم تا مبادا کلمات قبیحه فارسی آن اندام را بکار ببریم. خایه دیس = مانند تخم مرغ، خایه ریز = نیمرو، خایه زر = گلوله زر کنایه از آفتاب، خایه بیدستر = تخم سگ آبی غده ای که زیر پوست شکم بیدستر نر و ماده وجود دارد و در پزشکی قدیم برای رفع تشنج و دردهای عصبی بکار می رفته است. خایه غلامان = آلو سیاه و نوعی انگور سیاه در گویش لری به تخم مرغ می گویند خایه و در گویش جنوبی به بیضه می گویند گند.

پایان فصل سوم

فصل سوم

تماما در مغز می گذرد

چرا ما از دیگر موجودات باهوش تریم به تصاویر زیر توجه کنید. شما دو تفاوت اساسی بین مغز گوریل و انسان نئاندرتال و انسان مدرن خواهید یافت. اول اینکه مغز انسان سه برابر مغز گوریل و یکسوم بزرگ تر از انسان نئاندرتال، اجداد اولیه ما است. فسیل های یافته شده نشان می دهند که مغز ما در عرض 50000 گذشته تقریباً تغییری نکرده است و عملکرد آن تغییرات جزئی انجام داده است. دوم اینکه ما دارای یک پیشانی جلو آمده هستیم که انسانهای اولیه و گوریل فاقد آن بودند و می باشند. پیشانی جایگاه جلویی دو قسمت چپ و راست مغز هست. که ما فکر کردن و خواندن نقشه خیابان و صحبت کردن را مدیون این قسمت مغز هستیم. این دلیل آنست که ما بر بقیه حیوانات مسلط هستیم. مغز زنان و مردان در رابطه با قدرت، استعداد و توانایی های ویژه، کاملاً متفاوت از یکدیگر تکامل یافته اند. مردان که وظیفه شکار را بعهده داشتند، قابلیت هایی یافتند که از آشیانه دور رفته و مسیر یاب ماهری شوند. آنها از طریق بکارگیری های تاکتیکی مجبور بودند شکار را کشته و لاشه آنرا محافظت کرده به آشیانه باز گردانند. مردان نیاز نداشتند نه یک مصاحب خوبی باشند نه نگران روابط عاطفی با دیگران باشند. و همچنین مغز آنها در رابطه با برقراری ایجاد رابطه های انسانی تکامل نیافته است. در مقابل زنان می بایستی موقعیت خود را نزدیک غار یا کلبه تحکیم می کردند. بر این اساس دارای قدرت دیدی شدند که اطراف غار و حرکات دارای خطر را تشخیص دهند. همچنین می بایستی چندین کار را باهم انجام داده و با دیگر ساکنین غار (بچه ها زنان دیگر و سالخوردگان) تماس برقرار کنند. بر این اساس است که که مغز زنان و مردان در ناحیه های مختلف به منظور انجام وظایف مختلف تکامل یافت



چگونه مغز ما از قلمرو ما دفاع می کند

ما از عادت های دیرینه مان دیر دست بر می داریم. دانشمندان می گویند این مانند یک حافظه ی ژنتیکی است که به سادگی قابل تغییر نیست. حافظه ی ژنتیکی بخشی از رفتارهای غریزی ماست. این کاملاً روشن است که انسانهایی که که طی هزاران سال در غارها زندگی کرده و اطراف خود را مراقبت کرده و از قلمرو خود دفاع کرده و تعداد بیشتری از مشکلات که با آن روبرو بودند را حل می کردند نمی توانند بسادگی از آن دست بردارند.

آدم باید یکبار در رستوران بنشیند و دیگران را نظاره کند. اغلب مردان و زنان ترجیح می دهند صندلیشان را بدیوار چسبانده طوری که در خروجی رستوران را زیر نظر داشته باشند. تنها در این حالت است که احساس راحتی می کنند. هیچکسی نمی تواند آهسته از پشت به آنان نزدیک شود. اگر چه

امروزه بندرت خطری برای ما در رستوران پیش می آید مگر اینکه گارسون با صورتحساب نجومی به ما نزدیک شود.

همچنین مردان در خانه غریزی عمل می کنند برای مثال در اتاق خواب سمتی از تخت خواب می خوابند که در اتاق را زیر نظر داشته باشند. دفاع از سوراخ غار یک حافظه ی ژنتیکی است. اگر زوجی به یک خانه جدید نقل مکان کنند یا در یک شب در هتل بخوابند و زن در نزدیکی در بخوابد، مرد دچار ناآرامی شده و از بی خوابی رنج می برد بدون آنکه دلیل آنرا بداند. اغلب می توان با خوابیدن مرد نزدیک در اتاق مشکل ناآرامی و بی خوابی را حل کرد.

مردان بشوخی می گویند دوست دارند دم در بخواند تا بتوانند سریع فرار کنند. اما در حقیقت از غریزه ی دفاعی خودشان تبعیت می کنند.

زمانیکه مرد در خانه نیست، زن نقش محافظت را بعهده گرفته در جای شوهرش می خوابد. زن در نیمه شب زمانیکه بچه گریه می کند از خواب عمیق می پرد در حالیکه مرد به خرناس کشیدن خود ادامه داده و می خوابد و این عمل شوهر سبب ناراحتی زن می شود. مغز مرد طوری برنامه ریزی شده است که صداهایی که ناشی از تکانهاست تشخیص دهد. حتا صدای شکستگی یک شاخه در نزدیکی پنجره، سبب می شود در کمتر از ثانیه ایی از خواب بپرد تا اگر مورد حمله قرار گیرد بسرعت عکس العمل نشان دهد. برعکس زن در این وضعیت راحت به خواب خود ادامه می دهد مگر اینکه شوهرش در خانه نباشد و مغز وی طوری برنامه ریزی شده است که نقش شوهرش را بعهده گرفته و با هرگونه صدای ناشی از حرکت که باعث بخطر انداختن "آشیانه" می شود مقابله کند.

در مسیر موفقیت

ارسطو فیلسوف یونانی معتقد بود مرکز تفکر در قلب قرار دارد و سر مسئول خنک کردن بدن می باشد. به این دلیل است که بسیاری از بیانات احساسی ما به گونه ایی با قلب سر و کار دارد. امروزه ما به این تز می خندیم اما تا همین اواخر - قرن 19 - بسیاری از دانشمندان موافق این نظریه ارسطو بودند.

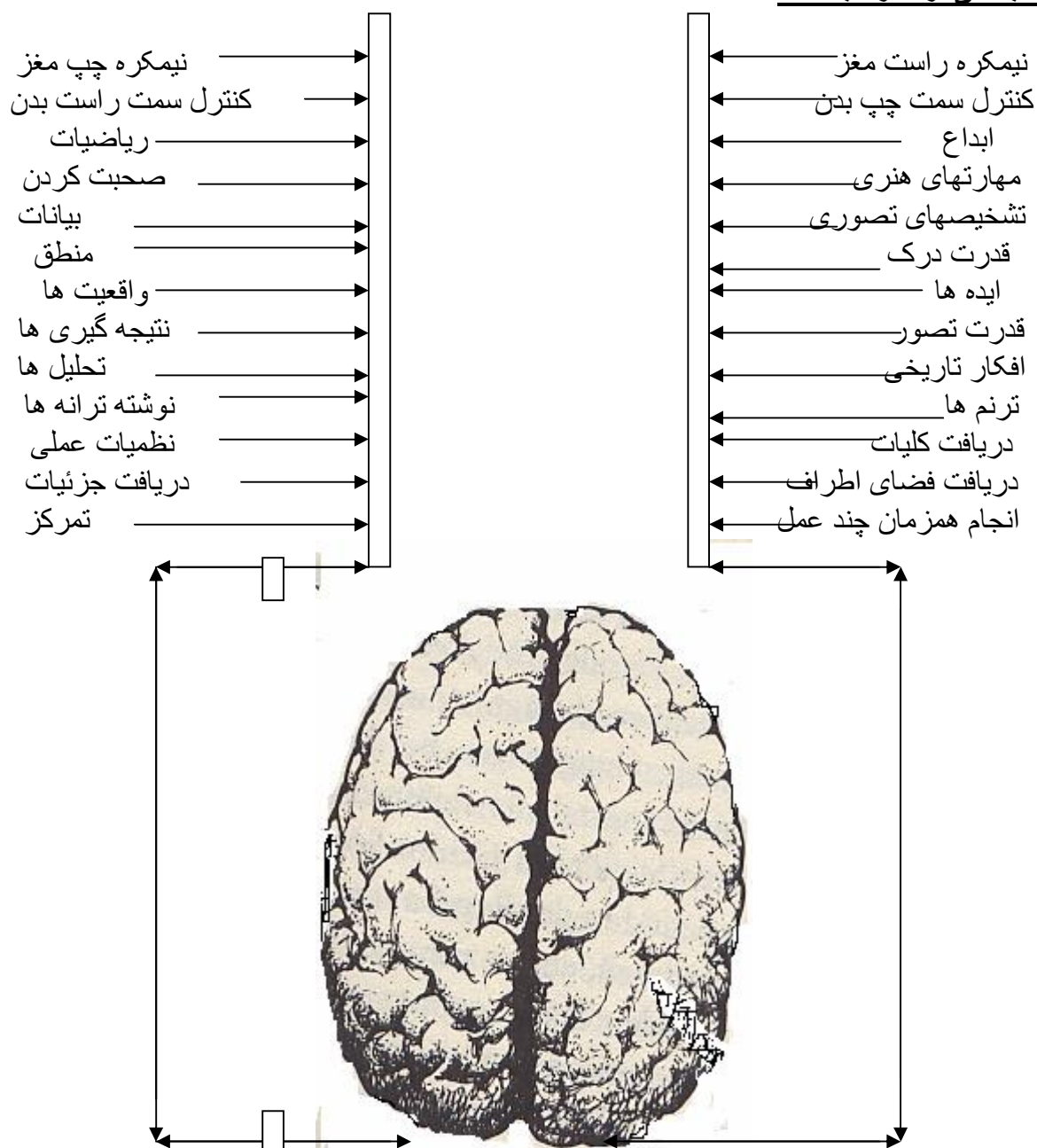
در سال 1962 کشف شد که هر نیمکره مغز مسئول انجام وظیفه فکری بخصوصی است. فناوری های پیشرفته امروزی این امکان را مهیا ساخته است که ما با نحوه کارکرد مغز آگاه شویم. البته در مراحل بسیار اولیه قرار داریم. ما میدانیم که نیمه راست مغز - بخش ابداع کنندگی - سمت چپ بدن ما را هدایت می کند. در حالیکه نیمه چپ مغز ما - بخش منطق و صحبت کردن و تعقل - مسئول هدایت سمت راست بدنمان می باشد. بخش سمت چپ مغز مسئول زبان و مرکز واژه هاست، بویژه در مردان و سمت راست مغز اطلاعات تصویری را ذخیره و هدایت می کند. چپ دستان دارای نیمکره راست مغز قوی تری هستند، بنابراین بخش ابداع کنندگی مغز در این بخش است. به این دلیل است که بطور متوسط تعداد چپ دستان نابغه از جمله انیشتین، لئوناردو داوینچی .. بیشتر است. 90% مردم راست دست هستند و تعداد زنان چپ دست بیشتر از مردان چپ دست است.

تحقیقات نشان داده اند بهره هوشی زنان حدود 3% بیشتر از مردان است

تا دهه 60 قرن بیستم از طریق مشاهده و تحقیق بر روی مغز سربازانی که در جنگ کشته شده بودند، اطلاعات فراوانی از نحوه ی عملکرد مغز انسان بدست آمد. اشکالی که این اطلاعات داشت این بود که اکثر سربازان مرد بودند و به راحتی چنین پذیرفته می شد که مغز زنان هم به همین صورت می باشد و عملکرد هم همان است که مغز مردان.

اما تحقیقات جدید نشان می دهد که عملکرد مغز زنان بطور اساسی با عملکرد مغز زنان تفاوت دارد. و این منبع تقریبی اختلاف بین زنان و مردان است. تحقیقات نشان داده است علاوه بر کوچکتر بودن اندازه مغز زن، کارایی و مهارت لازمه وجود دارد. تحقیقات نشان داده است مغز مرد 4.000.000.000 (چهار میلیارد) سلول بیشتر از مغز زن دارد، اما در پاسخ به سئوالات هوشی زن 3% جلوتر از مرد است.

چه بخشی از مغز کجاست؟



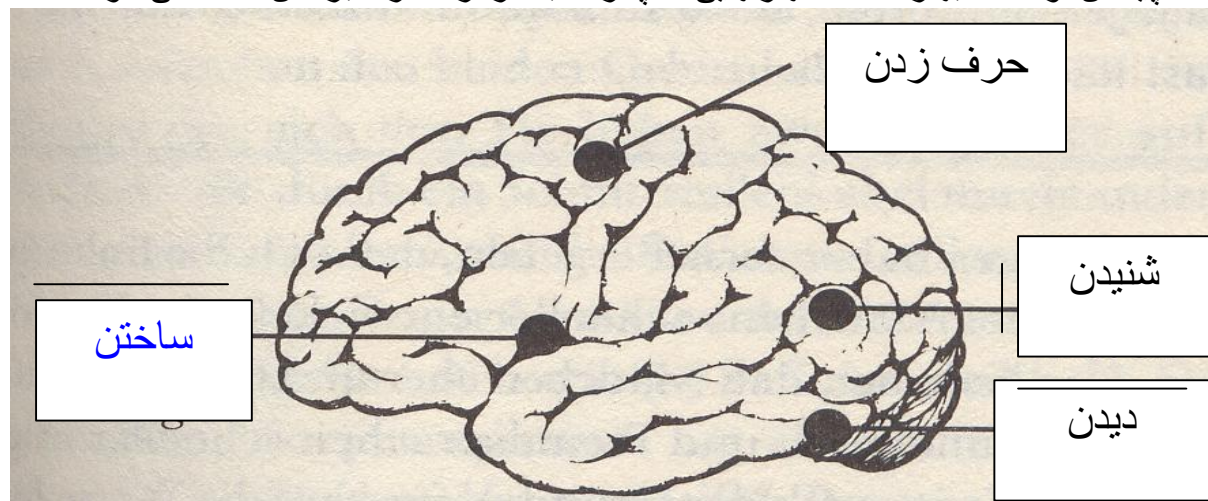
هر روزه توسط تحقیقات جدید به دستاوردهای بیشتری مربوط به مغز بدست می آید. اما دانشمندان استنباط های متفاوتی از این دستاورد دارند و به جمع بندی های متفاوتی می رسند. اما در عرصه هایی هم همگی متفق القول می باشند. با کمک دستگاههای پیشرفته دانشمندان موفق شده اند جریانهای مغزی را اندازه گرفته و مشخص کنند چه بخشی مسئول انجام چه فعالیت ما می باشد. زمانیکه اسکن از مغز در یک محل مشخص، مهارت یا عملکردی را آشکار نمود بدین مفهوم است که شخص مورد آزمایش، در این عرصه مهارت و توانایی آموزش یافته کسب کرده و با علاقه این مهارت را بکار می برد.

در مغز اغلب مردان ناحیه ای وجود دارد که قادر به مسیر یابی قوی وجود دارد و بدین جهت است که مردان مشکلی در تعیین مسیر و مکان یابی ندارند. این توانایی سبب شادی و رضایت یک مرد می شود که برنامه ریز فعالیت هایی شود که از قدرت مسیر یابی وی استفاده شود. اغلب مردان بیشتر به تقریحاتی علاقمندند که در آن تقریحات، توانایی راهنمایی و مسیر یابی آنها بکار آمده و آنرا عرضه کنند. در مغز زنان محل هایی متعددی وجود دارد که مراکز صحبت کردن مغز می باشند. در حقیقت مهارت گفتاری زنان بسیار عالی است. زنان بندرت بدنبال لغت می گردند. آنها بطرف فعالیت های اجتماعی کشیده می شوند که این توانایی در آن حرفه بخوبی بکار آید. بطور مثال روان درمانی، مشاوره و شغل های آموزش دهندگی. وقتیکه کسی را که فاقد یک توانایی مورد نظر باشد و وی را به آن کار واداریم، سبب می شود آن فعالیت را بدرستی انجام ندهد و از آن کار لذت نبرد. اگر زنی را بکاری واداریم که مسیر یابی در آن باشد درست همان مشکلی را بوجود می آود که یک مرد را بعنوان مشاور یا معلم بکار گیریم.

چگونه مغز را تجزیه و تحلیل می شود؟

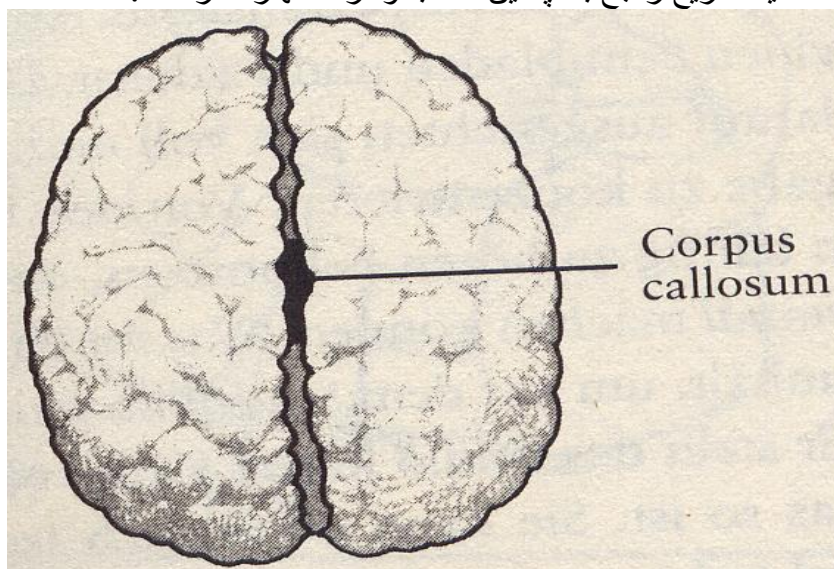
در دهه نود قرن بیستم اسکن از مغز بسیار پیشرفته است، طوری که امروزه می توان فعالیت های مغزی را زنده بر صفحه کامپیوتر مشاهده کرد. تحقیقات نشان داده است که نیمه چپ مغز دختر سریعتر رشد می کند تا نیمه چپ مغز یک پسر. این بدین مفهوم است که دختر زودتر و بهتر از پسر صحبت می کند و می خواند و می تواند زبان خارجی را سریع تر فرا می گیرد. به همین دلیل است مطب های مشاوران برای برطرف کردن نارسایی های گفتاری از پسران پر است نه از دختران.

در عوض نیمه راست مغز پسران سریع تر از نیمه راست مغز دختران رشد می کند. در نتیجه پسران دید فضایی و دریافت منطقی شان سریع تر رشد می کند. اغلب پسر ها در ریاضی در ساختمان و حل چیستان و مسئله بهتر هستند. مهارتهایی که پسر ها قبل تر از دخترها بر آنان مسلط می شوند.



چرا اتصالات بین دوبخش مغز زنان بیشتر است

نیمه های راست و چپ مغز توسط رشته های عصبی به یکدیگر متصل شده اند. این رشته ها تبادل ارتباطی و اطلاعاتی را بین دوبخش مغز ممکن می سازند. ارتباط عصبی بین دو بخش چپ و راست مغز زن 30 درصد بیش از ارتباط عصبی بین دو بخش چپ و راست مغز مرد می باشد. ثابت شده است مردان و زنانی که کارهای مشابه ای را انجام می دهند ، بخشهای متفاوتی از مغزشان به فعالیت می پردازد. آزمایشات نشان داده اند که هرمون های جنسی زنانه سلول های عصبی اوستروژن را تحریک کرده ، ارتباطات بیش تری بین دو بخش مغز ایجاد می کنند. همین تعداد فراوان ارتباطات بین دو بخش مغز زن سبب می شود زن بتواند چند فعالیت بدون ارتباط با یکدیگر را همزمان با هم انجام دهد. این همان علت دریافت ناگهانی مطالب و عکس الم سریع در زنان بوده و آنها را قادر می سازد در یک محیط سریع راجع به چندین مطلب و فرد اظهار نظر کنند.



چرا مردان قادرند تنها یک کار را

بعد از دیگری انجام دهند نه با هم

تمام نتایج آزمایشات مختلف به نتایج مشابه رسیده اند. مغز مردان تشکیل یافته است از موضوعات تخصصی یافته به دسته بندیهای کوچک . مغز آنها طوری تکامل یافته است که تنها و بطور کامل بر یک موضوع تمرکز کنند. این جمله را می توان اغلب از مردان شنید " من یکی را بعد از دیگری می توانم انجام ". وقتیکه مرد می خواهد نقشه خیابانها بخواند چکار می کند؟ اول رادیو را کم می کند. زن بسختی می تواند بفهمد چرا مرد این کار را می کند. او (زن) می تواند نقشه را بخواند در حالیکه گوش می دهد و همزمان صحبت هم می کند. زن از خود سؤال می کند چرا مرد نمی تواند این کارها را با هم انجام دهد. زن متعجب است چرا وقتیکه شوهرش می خواهد تلفن کند حتماً باید صدای تی وی کم شود؟ چرا مرد در حالیکه روزنامه می خواند و یا تی وی تماشا می کند نمی تواند گوش دهد؟ این گونه شکایات یا مشابه آن را زنان از شوهرانشان در سراسر دنیا دارند. پاسخ ساده چنین است: مغز یک مرد بگونه ای برنامه ریزی شده است که یک کار را بعد انجام کار دیگر انجام دهد. نه چند کار را همزمان با هم . زیرا رشته های ارتباطی بین دو بخش راست و چپ مغز مرد کم است. اگر مغز یک مرد درحال مطالعه روزنامه را، اسکن کنیم روشن خواهد شد که مرد در این حالت تقریباً هیچ صدایی نمی شنود .

مغز زن مانند یک موتور چند کاره است. او می تواند چند کار مختلف را همزمان انجام دهد. مغز او تنها در خواب آهسته کار می کند. او می تواند در حالیکه تلفن می کند ، آشپزی کند و در همان موقع تی وی هم تماشا کند. او می تواند در حالیکه رانندگی می کند تجدید آرایش کند همان موقع به رادیو گوش

دهد و با تلفن هم صحبت کند. اما وقتی که یک مرد آشپزی می کند قادر نیست همزمان به کسی که بغل دست اوست و روش پخت غذا را از روی کتاب می خواند گوش دهد. باید یا گوش دهد یا ببزد. وقتی که با یک مرد که در حال ریش زدن است حرف بزنید می توانید احتمال دهید که صورت خود را خواهد برید. اغلب زنان این تجربه را دارند که شوهرشان از دست دادن یک ورودی یا خروجی اتوبان را بخاطر پرحرفی آنان می دادند.

از آنجائیکه دونیمه مغز زن دائم اکتیو است، برای زن سخت است سریع دست چپ و راست را تشخیص دهد. حدود 50 درصد از زنان قادرند بدون تامل بگویند کدام دستشان راست است کدام دستشان چپ. همواره از چیزی مانند حلقه یا ککمی که در صورت را دارند کمک می گیرند. از آنجائیکه تنها یک نیمه مغز مرد اکتیو است، بدین لحاظ در این مورد مشکلی ندارد. در سراسر جهان، مردان از زنانشان ایراد می گیرند موقعیکه می گویند چپ به پیچ منظورشان راست بوده است.



تست مسواک را انجام دهید

تست زیرا انجام دهید: دندانتان را مسواک کنید! اکثر زنان می توانند در حالیکه مسواک می زنند در منزل راه بروند و درباره مسائل مختلف حرف بزنند و در همان حال میز نهارخوری را هم تمیز کنند. این اعمال برای مردان از سخت تا غیر ممکن می باشد. وقتی که مردان مسواک می زنند، مغز یک باند ه شان مجبورشان می کند تنها به همان عمل متمرکز شوند.

مترجم: به منزل یکی از دوستانم رفته بودم. - مردی 50 ساله- داشت چایی درست می کرد. به او گفتم گوش کن این قسمت کتاب را برات بخونم. گفت یک لحظه صبر کن. حواسم پرت میشه. الان کارم تموم میشه میام. آمد نشست. سطر بالا را به او نشان دادم. کلی تعجب کرده بود.

مردان بصورت نرمال مقابل دستشویی می ایستند، پاهایشان را به اندازه 30 سانتیمتر از هم باز می گذارند، و سرشان را به طرف دستشویی خم می کنند و سرشان را با ریتم مسواک کردن بالا و پائین می برند. این بالا و پائین بردن سر به سرعت آب شیر بستگی دارد.

چرا ما اینگونه هستیم

ما طوری دختر و پسر را تربیت می کنیم که هیچگونه تفاوتی بین آنها وجود ندارد. در صورتیکه علم عاقلان ما ثابت می کند که از اساس متفاوت هستند. متخصصین اعصاب و مغز در سراسر جهان مطمئن هستند که ما توسط هرمون هایمان هدایت می شویم.

هرمون های ما تعیین می کنند، ما که هستیم. ما محصول ترکیبات شیمیایی بدنمان هستیم.

تا قرن بیستم، باور بر این بود که مغز ما از ابتدای تولد همچون تابلویی بوده که والدین، معلمین و دنیایی که برای ما ساخته می شود بر آن نقش می بندد. اما بر اساس آخرین نتایج تحقیقات مشخص شده است که مغز ما 6 تا 8 هفته بعد از نطفه بسته شدنمان، شبیه یک کامپیوتر عمل می کند. در مغز ما مرکز حافظه شکل می گیرد و یک حافظه نصب می شود طوری که مانند یک کامپیوتر دارای نرم افزار و سخت افزار می شود که با رشد مان و دریافت از محیط اطراف خود قسمت های جدیدی به کامپیوتر مغز اضافه می کنیم.

علم نشان می دهد که اساس و بنیاد مرکز حافظه و ارتباطات آن، تغییرات بسیار محدودی انجام می پذیرد. معلمین و دنیای اطراف ما باعث می شوند ما آن برنامه ها و قطعات اضافی را به مغز خود وصل کنیم. تا به امروز هیچکس قادر نشده است کتاب راهنمای کامپیوتر مغز انسان را وارد بازار کند. این بدین منظور است که از بدو تولد تصمیمات و تمایلات آتی ما برنامه ریزی شده اند. حال میدانیم که تربیت و مراقبت از فرزندان امری فراگرفتنی است چرا که مادر خوانده ایی که یک نوزاد شیر می دهد و او را تربیت می کند همان تربیت مادر را انجام می دهد.

جنین برنامه ریزی می شود

طرح ساخت ژنتیکی انسان متشکل از 46 کروموزم می باشد. 23 کروموزم از مادر و 23 کروموزم از پدر. وقتیکه بیست و سومین کروموزم مادر یک X- کروموزم (شکل کروموزم شبیه X است) و بیست و سومین کروموزم پدر هم یک X- کروموزم باشد نوزاد XX می شود که دختر می شود. وقتیکه بیست و سومین کروموزم پدر یک Y- کروموزم باشد، نوزاد

XY - کروموزم می شود که یک پسر خواهد شد. اساس ساخت بدن انسان بر پایه شابلون مونث شکل می گیرد یعنی از ابتدا همه نوزادان بصورت دختر هستند. پس از آن مراحل تغییر به جنسیت مذکر می شود. بر این اساس است که در مرد چند مشخصه زنانه از جمله غده و نوک سینه در بدن مرد شکل می گیرد که هیچگونه کارایی ندارد. کارایی سینه مرد در چیست؟

علم ثابت می کند که : حوا قبل از آدم خلق شد!

در زمانی حدود 6 تا 8 هفته بعد از بسته شدن نطفه، جنین کم و بیش فاقد جنسیت است و می تواند دختر یا پسر شود.

بعد از شش تا هشت هفته بعد از آنکه جنین شکل پسر گرفت، رشد هورمون های جنسی از جمله تستسترون در بدن پسر آغاز می شود. تنها رشد این هورمون جنسی از جمله تستسترون در بدن بوجود آورنده خایه در بدن پسر شده (1) و مغز نوع مذکر و رفتار های مختص به آن شکل می گیرد. از جمله قدرت دید ویژه برای مسافت های دور و قدرت دید فضایی مورد استفاده برای پرتاب نیزه و رویت و تعقیب شکار.

وقتیکه یک جنین دختر است XX کروموزوم می باشد در این صورت مقداری هورمون جنسی مردانه در بدن دختر موجود است. در این جا مغز هورمون های زنانه ای برای نیاز های بعدی تولید می کند از جمله ساخت کلبه، دفاع از کلبه. مراکزی در مغز زن تکامل می یابند که قادر می شوند علائم شفاهی و غیر شفاهی رفتاری و گفتاری را کشف کنند.

حدس زده می شود بین 80 تا 85 درصد تمام مردان ارتباطات مردانه در مغزشان وجود دارد و 15 تا 20 درصد تمام مردان کم و بیش مغزی زنانه دارند. بسیاری از مردان دسته دوم گرایشات همجنسگرایی می یابند.

15 تا 20 درصد مردان مغز زنانه و حدود 10 درصد زنان مغزی مردانه دارند

تست زیر نشان می دهد که چه اندازه از مغز فرد برنامه ریزی مردانه یا برنامه ریزی زنانه دارد. در این تست پاسخ های درست یا غلط وجود ندارند. بلکه پاسخ فرد بر اساس نزدیکی به یکی از مورد ها مهم است. بعد از اینکه تست را پاسخ دادید نتیجه را با جدولی که در آخر آمده مقایسه کنید پاسخ خود را بدست می آورید.

1- وقتیکه شما باید یک نقشه خیابان را، چکار می کنید؟

الف- خواندن نقشه برای من مشکل است. برای خواندن آن از یک نفر کمک می گیرم

ب- نقشه را در جهت مسیری که باید رفت می چرخانم و بدنبال مسیر می گردم

پ- اساساً مشکلی برای خواندن نقشه راه ها ندارم

2- شما در حال درست کردن غذا از روی کتاب آشپزی هستید. رادیو روشن است، و در همین موقع صدای زنگ تلفن می آید. عکس العمل شما چیست؟

الف- به تلفن جواب می دهم بدون آنکه غذا پختن را قطع کنم یا اینکه صدای رادیو را کم کنم.

ب- صدای رادیو را کم کرده به تلفن جواب می دهم در حالیکه آشپزی می کنم.

پ- گوشی تلفن را بر می دارم به کسی که تلفن کرده می گویم دارم آشپزی می کنم خودم بتو تلفن خواهم کرد و سپس به آشپزی ادامه می دهم.

3- منتظر چند مهمان هستید. تماس می گیرند راه رسیدن به منزلتان را برایشان توضیح دهید. چگونه برای آنها توضیح می دهید؟

الف- یک نقشه برایشان کشیده برایشان می فرستم یا یکنفر دیگر را مامور می کنم راه را برایشان توضیح دهد.

ب- سؤال می کنم یک محلی که اطرافشان است بگویند و بر اساس آن مسیر را برایشان توضیح می دهم.

پ- برایشان شفاهی توضیح می دهم که چطور می توانند بیایند: اتوبان ایکس را بگیرید و از خروجی وای خارج بشوید سومین چهار راه به پیچید سمت راست مستقیم بیایید خیابان باریک سمت چپ.

شماره 23.

- 4- چگونه یک ایده یا مفهومی را برای یک نفر توضیح می دهید؟
- الف- یک قلم و کاغذ بر می دارم می نویسم و از دست و پایم هم شده برای توضیح دادن استفاده می کنم.
- ب- بصورت شفاهی توضیح می دهم و از دست و پایم هم برای توضیح استفاده می کنم.
- پ- شفاهی توضیح می دهم تا جایی که ممکن است کوتاه و قابل فهم.
- 5- یک فیلم قشنگ دیده اید و به خانه آمده اید اولین کاری که می کنید چیست؟
- الف- چند صحنه فیلم را در سرم مرور می کنم.
- ب- در باره صحنه های جالب حرف می زنم و چیز هایی که گفته شده اند بازگو می کنم.
- پ- تمام مطالبی که در فیلم گفته شده تکرار می کنم.
- 6- ترجیح می دهید در کدام سمت سینما بنشینید؟
- الف- سمت راست سالن سینما
- ب- هیچ فرقی نمی کند
- پ- در قسمت چپ سالن سینما
- 7- یکی از دوستانتان مشکلی با یک وسیله برقی دارد. شما برای رفع مشکل او چه می کنید؟
- الف- باهاش همدردی می کنم و به او می گویم که چکار باید بکند.
- ب- یک فرد وارد را به او معرفی می کنم.
- پ- تلاش می کنم بفهمم مشکل دستگاه چیست سعی می کنم تعمیرش کنم.
- 8- شما در یک محله ای نا آشنا رفته اید. یک نفر از شما سؤال می کند شمال از کدام طرف است. عکس المل شما چه خواهد بود؟
- الف- اقرار می کنم که اطلاع ندارم.
- ب- بعد از چند لحظه فکر کردن احتمالی می دهم که از کدام طرف است.
- پ- بدون لحظه ای مکث نشان می دهم شمال چه سمتی است.
- 9- شما محلی برای پارک کردن پیدا کرده اید که برای پارک کردن جای کمی هست و باید از عقب پارک کنید. چکار می کنید؟
- الف- میروم بدنبال پارک دیگر
- ب- سعی می کنم با دقت پارک کنم
- پ- بدون اشکال از عقب پارک می کنم.
- 10- دارید تلویزیون نگاه می کنید. تلفن زنگ می زند. شما چکار می کنید؟
- الف- بدون اینکه صدای تلویزیون را کم کنم به تلفن جواب می دهم.
- ب- صدای تلویزیون را کم می کنم سپس به تلفن جواب می دهم.
- پ- صدای تلویزیون را کم می کنم و از دیگران می خواهم آهسته صحبت کنند بعد تلفن را جواب می دهم.
- 11- شما یک ترانه از خواننده مورد علاقه تان شنیده اید. می توانید آن ترانه را تکرار کنید؟
- الف- یک بخشی از ترانه را می توانم بخوانم
- ب- می توانم بخشی از ترانه را بخوانم اگر ترانه ساده ایی داشته باشد.
- پ- برای من سخت است که ترانه را بخوانم اگرچه بخشی از شعرش در حافظه ام هست.
- 12- شما کلیدتان را جایی گذاشتید یادتان نمی آید کجا. چکار می کنید؟
- الف- کار دیگری انجام می دهم تا بعد یادم بیاید
- ب- کار دیگری انجام می دهم و در فاصله فکر می کنم تا یادم بیاید کلید را کجا گذاشتم.
- پ- یکی یکی جاهای که ممکن بوده کلید را گذاشته باشم می گردم.
- 13- شما در اتاق هتل نشسته اید. صدای آژیری از دور دست می شنوید.
- الف- بدن تاخیری می توانم جهت دقیق صدا را تشخیص دهم.
- ب- اگر قدری تمرکز کنم احتمالاً می توانم جهت صدا را تشخیص دهم.

- پ- قادر نیستم جهت صدا را تشخیص دهم.
- 14- شما در یک میمانی شرکت می کنید و هفت هشت نفر به شما معرفی می شوند. شما در روز بعد چه چیزی از آنها در خاطر دارید؟
- الف- قیافه همشون را یادم می ماند
- ب- یکی دوتا از آنها در خاطر باقی می ماند
- پ- احتمالاً نام ایشان در یادم باقی می ماند تا قیافه هایشان
- 15- شما دوست دارید تعطیلاتتان را در یک روستا بگذرانید. همسرتان دوست دارد بروید کنار دریا. چطور او را متقاعد می کنید که پیشنهاد شما بهتر است؟
- الف- سعی می کنم با جملاتی شبیه ، چقدر من به محیط روستا علاقه دارم و چقدر به بچه ها و ما خوش خواهد گذشت او را متقاعد کنم.
- ب- به او میگویم چقدر از تو سپاس گزارم اگر این بار را به روستا برویم و دفعه بعد کنار دریا.
- پ- دلایل خودم را از جمله اینکه پیشنهاد من نزدیک تر ارزان تر و دارای وسائل تفریحی بیشتری است برای همسرم ارائه می دهم.
- 16- وقتیکه برنامه روزانه تان می ریزید چکار می کنید؟
- الف- لیستی از کارهایی را که می خواهم انجام دهم تهیه می کنم.
- ب- درباره کارهایی که می خواهم انجام دهم تعمق می کنم.
- پ- افرادی را که می خواهم با آنها ملاقات کنم ، محلی را که می خواهم بروم و کارهایی را که می خواهم انجام دهم را در نظر می گیرم .
- 17- یکی از دوستانتان دارای مشکلی است و می خواهد با شما در باره آن صحبت کند. عکس العمل شما چگونه خواهد بود؟
- الف- ابراز همدردی می کنم و سعی می کنم مشکل او را بفهمم
- ب-به او می گویم که مشکلات بدتر از مشکل خودت را در نظر بگیر و برایش توضیح می دهم چرا این روش بهتر است.
- پ- راه حلهای عاقلانه و مهیج برای حل مشکلش به او ارائه می دهم
- 18- دوتا از آقایان مزدوجتان رابطه ی غیر زناشویی با دیگری برقرار کرده اند . تا چه اندازه احتمال می دهید این راز بین آندو را دریابید؟
- الف- من سرع متوجه راز آندو می شوم.
- ب-احتمال اینکه متوجه بشوم پنجاه – پنجاه ست.
- پ- به احتمال زیاد اصلاً متوجه نشوم
- 19- چه چیزی در زندگی شما مهمترین است؟
- الف- دوستانی داشتن و هماهنگی با کسانی که با آنها در ارتباط هستم.
- ب-دوست بودن با دیگران ، در حالیکه استقلال خودم حذف نشود.
- پ- دستیابی به هدف های واقعی، جلب کردن احترام دیگران نسبت به خودم و اعتبار و ترقی
- 20- اگر شما حق انتخاب داشتید چه کاری را با علاقه انجام می دادید؟
- الف- در گروهی کار کنم که همه دارای هدف مشترکی باشند.
- ب- با دیگری کار کنم که افراد فاصله های بین خودشان دانسته فرض کنند.
- پ- مورد علاقه من زمانی است که تکی کار کنم.
- 21- چه نوع کتابی مورد علاقه شما است؟
- الف- رمان و ادبیات سرگرم کننده
- ب- روزنامه و مجله
- پ- کتابهای تخصصی و اتوبیوگرافی
- 22- وقتیکه به خرید می روید چگونه عمل می کنید؟

الف- چیزهایی را می خرم که هیجان آور باشد بخصوص اجناسی که بصورت ویژه بفروش می رسانند.

ب- حدوداً می دانم چه چیزی می خواهم بخرم اما از چیزهایی را هم که حراج می کنند، خرید می کنم
پ- اتیکت های فروش کالا را نگاه می کنم و قیمت ها را مقایسه می کنم

23- آیا یک برنامه مشخص برای به رختخواب رفتن، از خواب بلند شدن و غذا خوردن دارید؟
الف- من طبق برنامه ایی که از قبل ریختم عمل می کنم

ب- من یک برنامه تعیین شده روزانه دارم اما انعطاف پذیر هم هستم
پ- من یک برنامه ثابت دارم و کارهایم را طبق آن انجام می دهم

24- شما شغلی جدیدی در اداره ایی که دارای همکاران زیاد است، پیدا کرده اید. یکی از همکارانتان بعد از وقت اداری به منزل شما زنگ می زند. آیا می توانید صدای او را تشخیص دهید؟

الف- به هیچ وجه برای تشخیص صدا دچار مشکل نمی شوم.
ب- احتمال اینکه صدای او را تشخیص دهم 50 درصد است.

پ- برای تشخیص صدا دگر مشکل خواهم شد.

25- چه چیزی شما را از کوره در می برد زمانیکه با کسی دعویتان می شود؟
الف- وقتیکه طرف مقابل سکوت کرده عکس العملی نشان نمی دهد.

ب- وقتیکه طرف مقابل منظور مرا درک نکند.

پ-سئوالات بستوه آورنده و تحریک کننده و انتقاد دیگران

26- در دوران مدرسه در املاء و انشاء چطور بودید؟
الف- دوتاش برام ساده بودند.

ب- در اولی کاملاً خوب بودم دومی تا اندازه ای فاجعه بود
پ- هر دوتا مورد برام سخت بودند.

27- تا چه اندازه خوب می رقصید؟
الف- زمانی می توانم موزیک را حس کنم که آن رقص را یاد گرفته باشم.

ب- یک کمی بلد هستم برقصم.
پ- اصلاً بلد نیستم برقصم.

28- تا چه اندازه می توانید صدای حیوانات را تشخیص دهید و از آنها تقلید کنید؟
الف- خیلی کم

ب- تا اندازه ای می توانم
پ- خیلی خوب

29- کار مورد علاقه تان در پایان یک روز طولانی چیست؟
الف- با دوستانم یا فامیلم در باره روزی که داشتم صحبت می کنم.

ب- به دیگران گوش می دهم تا در باره روزشان برایم تعریف کنند.
پ- ترجیح می دهم روزنامه بخوانم یا تی وی نگاه کنم بجای اینکه با دیگران صحبت کنم.

30- در مورد یک مشکل چگونه قضاوت می کنید؟
الف- با الهامی که نسبت به مسئله دارم پاسخ می دهم

ب- با اطلاعاتی که از مسئله بدست می آورم به اضافه سبک سنگین کردن احساسم نسبت به آن مسئله
پ- از طریق در نظر گرفتن فاکت ها و آماری و اطلاعات مشابه آن پاسخ را ارائه می دهم.

چگونه نتیجه تست را بدست می آوریم

تعداد پاسخ های الف و ب و پ را محاسبه کنید و آنان را در جدولهای زیر قرار دهید

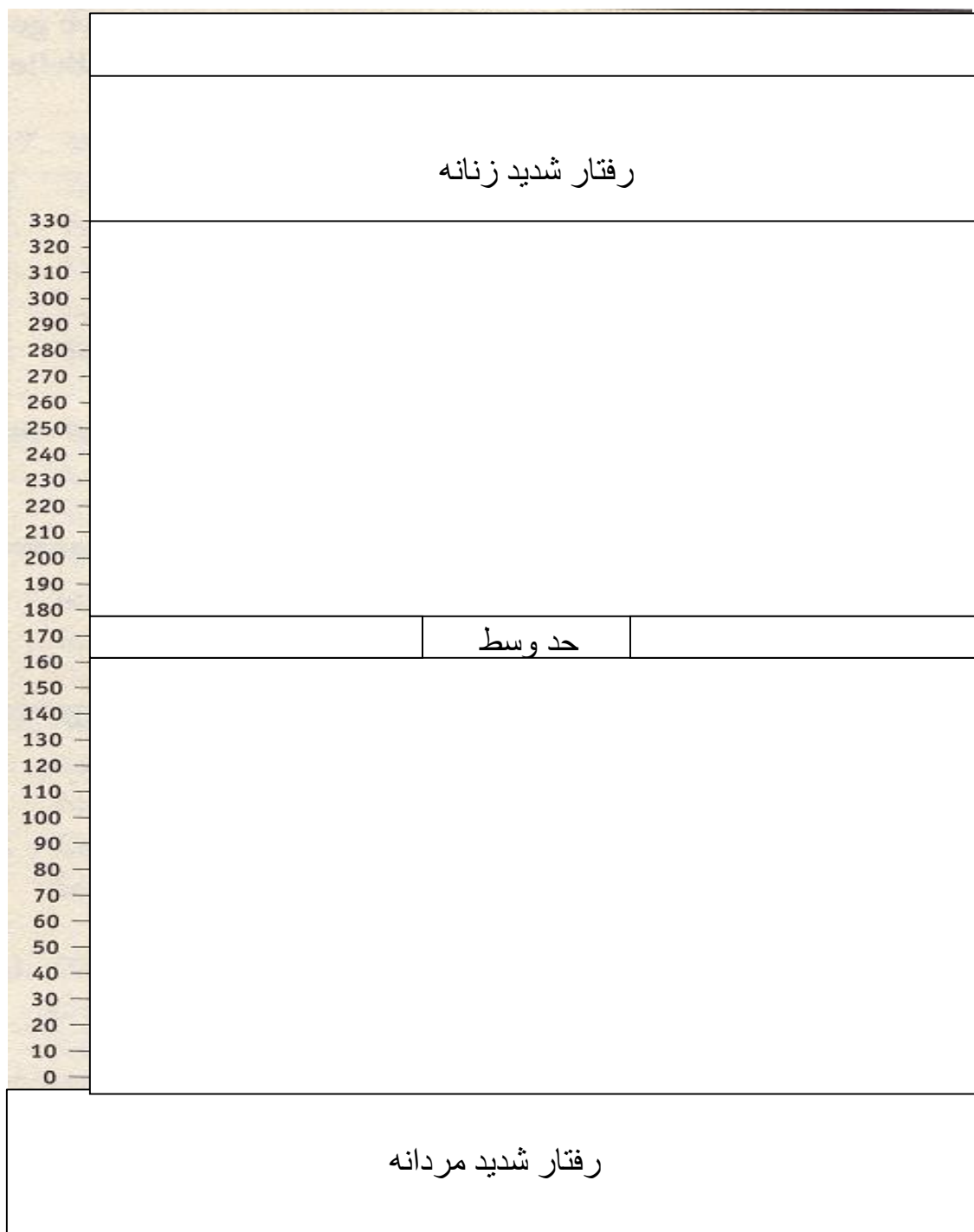
زنان:

- = تعداد جوابهای الف را در 15 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای ب را در 5 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای پ را در 5 ضرب کنید
- = مجموع جوابها

مردان:

- = تعداد جوابهای الف را در 10 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای ب را در 5 ضرب کنید
- = تعداد جوابهای پ را در 5 ضرب کنید
- = مجموع جوابها

برای هر سئوالی که به شما مربوط نمی شود نمره صفر بدهید.



تحلیل نتایج تست

اغلب مردان نتیجه ای بین صفر تا 180 و زنان بین 150 تا 300 بدست می آورند. مغز مردانه عددی کمتر از 150 بدست می آورد. هر حاصلی که بسمت صفر نزدیک رود مغز مردانه تر و میزان تستسترون در بدنش بیشتر است. افرادی که دارای نتیجه ای نزدیک به صفر داشته باشند، معمولاً دارای رفتار و کارایی و قدرت تجزیه و تحلیل منطقی زیادی هستند. در مورد زنان هرچه عدد بدست آمده نزدیک به صفر شود امکان همجنسگرا بودن زنان زیاد تر می شود.

مغزی که زنانه است عدد بیشتر از 180 می آورد. هرچه عدد حاصله بسمت بالا تر رود صاحب آن از قدرت خلاقیت زیباشناسی و احساسات و عاطفه بیشتری برخوردار است. این دسته از زنان قادر به

درک مسائلی هستند که دیگران فاقد آن توانایی هستند. اگر مردی عددی بیش از 180 بیاورد احتمال اینکه همجنسگرا شود زیاد می شود.

بخش میانی نمودار

عددی بین 150 تا 180 به این مسئله اشاره دارد که شخص ذهنیت سازگاری با هر دو جنس داشته و ممکن است بی سکسوال باشد (هم به مرد هم به زن کشش داشته باشد). فرد دارای توانایی هست که هم می تواند یک رابطه دوستی بامرد داشته باشد هم با زن. از ابتدای دهه 80 قرن بیستم اطلاعات ما در باره مغز بصورت گسترده ایی افزایش یافت. دهه 90 دهه مغز نامیده شده است.

1- نمی دانم از اینکه کلمه ای فارسی پهلوی خایه (از ریشه خاییک = هرچه به شکل تخم مرغ باشد) را بجای کلمه عربی بیضه بکار بردم باید پوزش بخواهم یا نه. زبان فارسی شیرین ترین زبان دیناست. اشکالش در اینست که زمانی بخواهیم نام اندام بدن خود را بگوئیم یا بنویسیم قدری بی تربیتی می شود و به زبان چینی و ژاپنی و عربی هم شده باشد نام اندام را می گوئیم تا مبادا کلمات قبیحه فارسی آن اندام را بکار ببریم. خایه دیس = مانند تخم مرغ، خایه ریز = نیمرو، خایه زر = گلوله زر کنایه از آفتاب، خایه بیدستر = تخم سگ آبی غده ای که زیر پوست شکم بیدستر نر و ماده وجود دارد و در پزشکی قدیم برای رفع تشنج و دردهای عصبی بکار می رفته است. خایه غلامان = آلو سیاه و نوعی انگور سیاه در گویش لری به تخم مرغ می گویند خایه و در گویش جنوبی به بیضه می گویند گند.

پایان فصل سوم

